

با سلام

-موضوع پیام:

بررسی بیت اول غزل ۷۶۲ از برنامه ۹۰۶...

بدرد مرده کفن راه، به سر گور برآید
اگر آن مرده ما را ز بت من خبر آید

انسان در ذهنش مرده و کفنش هم همین پرده ذهن است، پرده پندار....
انسان قادر است این کفن را بدرد، و بلند شود بایستد و مرده‌اش را نگاه کند.
«به سر گور برآید» یعنی بلند شود و گورش را نگاه کند بگوید اینجا ذهن است اینجا همانیدگی‌های من بودند قدیم‌ها من با اینها همانیده
بودم. چارق ایازش را ببیند به شرطی که از بت من یعنی خداوند یک خبری بیاید.
مولانا می‌گوید:

فقط خبری از زندگی، خداوند است که ما را می‌تواند زنده کند.

نکته اول ... هر من ذهنی ما را هل می‌دهد به سمت ذهن یعنی قبر.

نکته دوم... هر چیزی که می‌بینید یا می‌شنوید با آن قرین می‌شوید.

نکته سوم ... اگر مرتب از من‌های ذهنی عشق بخواهیم، عقل بخواهیم، دوستی بخواهیم، چیزی بخواهیم، خوشبختی بخواهیم،
آرامش بخواهیم، مسئله درست خواهد شد، گرفتار خواهیم شد ... فلانی چرا این کار را کرد، کرده که کرده، برای تو خداوند کافیهست، فضا
را باز کن، عشق کن، شادی بگیر...

نکته بعدی (چهارم...) (مقاومت یعنی من با آن چیزی که ذهنم در این لحظه نشان می‌دهد کار دارم..

و نکته آخر (پنجم...) (با هر چیزی که همانیده باشیم به سمت ما می‌آید اگر همانیده باشیم مورد اصابت تیر خداوند است، چون
اینها زندگی ندارند.

-بیت جادویی مولانای جان ... خوانده نمی‌شود

-هزار ابر عنایت بر آسمان رضاست خوانده نمی‌شوند

-اگر بیارم از آن ابر بر سرت بارم خوانده نمی‌شوند

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۷۲۳

با سپاس شهره از مهرشهر کرج